



INJRAKA



ادیتور: Shaharzarad
مترجم: H. _ H.

کانال
MIRANKA

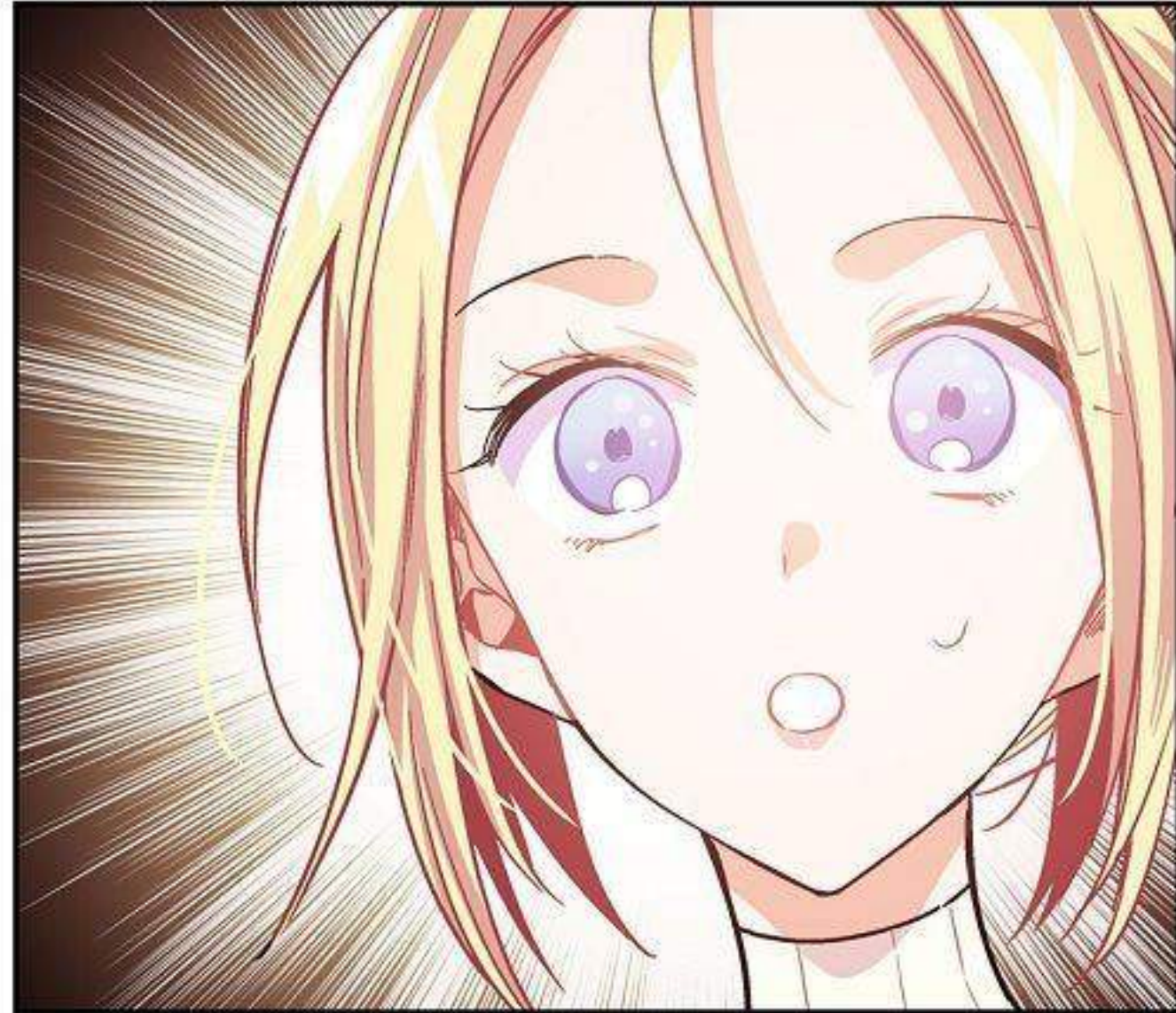
فوقالعاده‌ست! من
همیشه حواسم بهت
بوده ولی فکر نمی‌کردم
بتونی همچین کاری
بکنی! این توی تاریخ
پزشکی ثبت میشه!

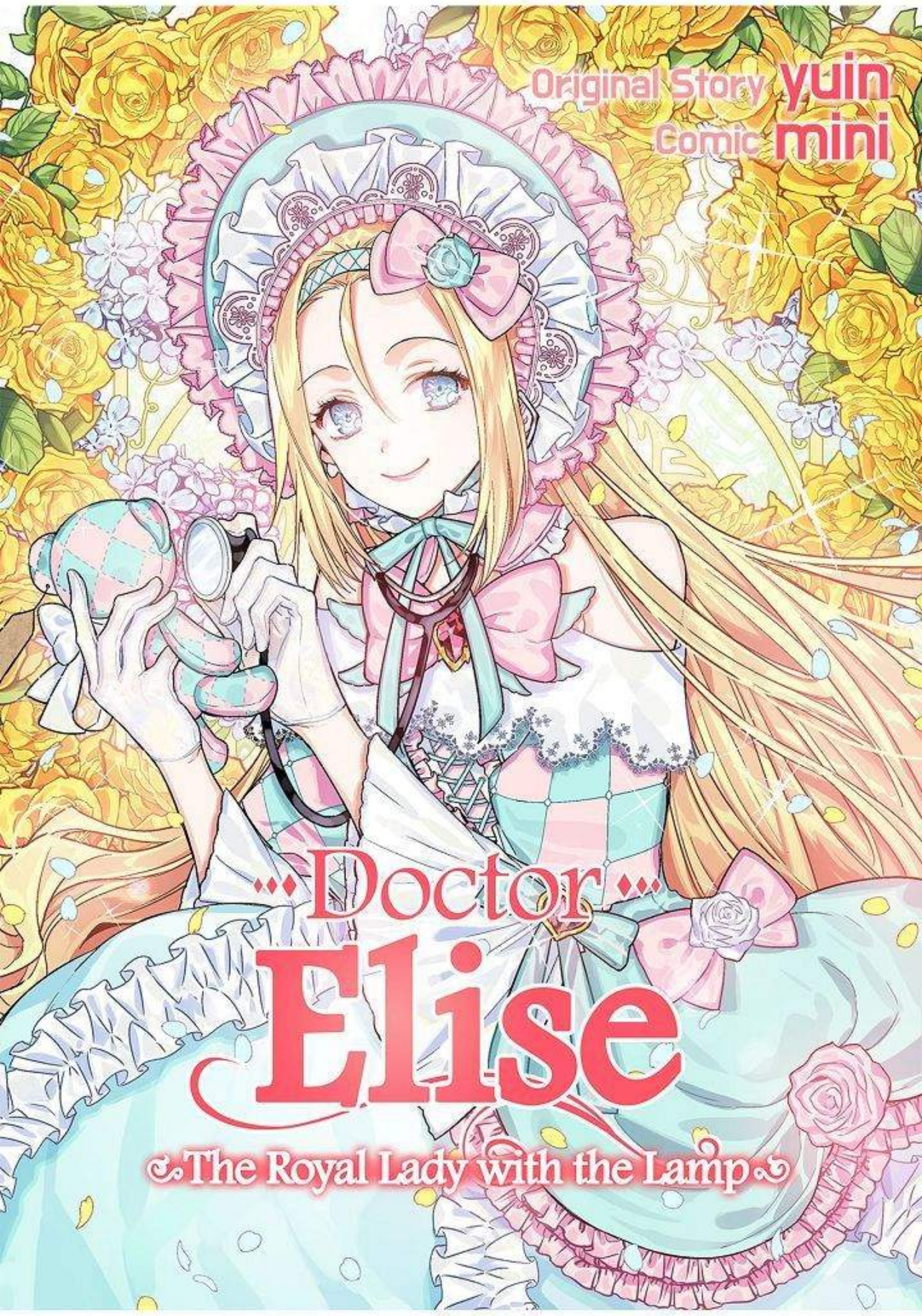
...

چطوری این
ایده به
ذهنت رسید؟

اینو باید از

خانمی که
کنار منه
پرسید
نه من





Episode

25



گراهام!

متوجه هستی
چی داری
میگی؟

ایشون پزشک سلطنتی
هستن. همچین شوخی
احمقانه‌ای نکن

بسیار خب گراهام روراست
باش. داری میگی این خانم
اسپلینکتومی* رو انجام
داده؟
*برداشتن طحال

بله، این حقیقت
داره. قسم
میخورم دروغ
نمیگم. اگه حرف
من رو باور
نمیکنین از شخص
دیگه ای که تو
اتاق عمل بود
پرسین.

من فقط یه دستیار
بودم. این خانم کسی
بود که دستورات رو
میگفت.

سکوت



این خانم
اسپلینکتومی رو
انجام داده؟

ببخشید
بانوی جوان...

لطفا فقط من
رو رز صدا
بزنین.

بسیار خب رز.
این حقیقت
داره؟ تو عمل رو
انجام دادی؟

چی باید بگم؟

واقعا زیاده روی کردم.
فقط یک ماه کارآموز
بودم، کی باور میکنه
جراحی اسپلینکتومی رو
انجام دادم؟

ولی اگه کاری
نمیکردم اون
مریض از دست
میرفت.



چرا...
مرددم؟



میدونستم
همچین
چیزی دیر یا
زود اتفاق
میفته.

من هیچوقت به
خاطر پنهان کردن
دانش و مهارتم
مریضا رو نادیده
نمیگیرم.



الویت
اولم نجات
بیمار است.

و اگه بخوام شرطم
با امپراتور رو ببرم،
این برام بهترین
موقعیته.



اگه قراره برنده بشم و به
عنوان یه دکتر زندگی کنم
باید نشون بدم مهارت های
پزشکیم چقدر نسبت بقیه
بهتره.



بله، من
اسپلینکتومی رو
انجام دادم.



تو اون
جراحی رو
انجام
دادی؟ واقعاً؟

بله، آقا.

پس نوشتن اون
یادداشت ها هم
کار تو بود؟

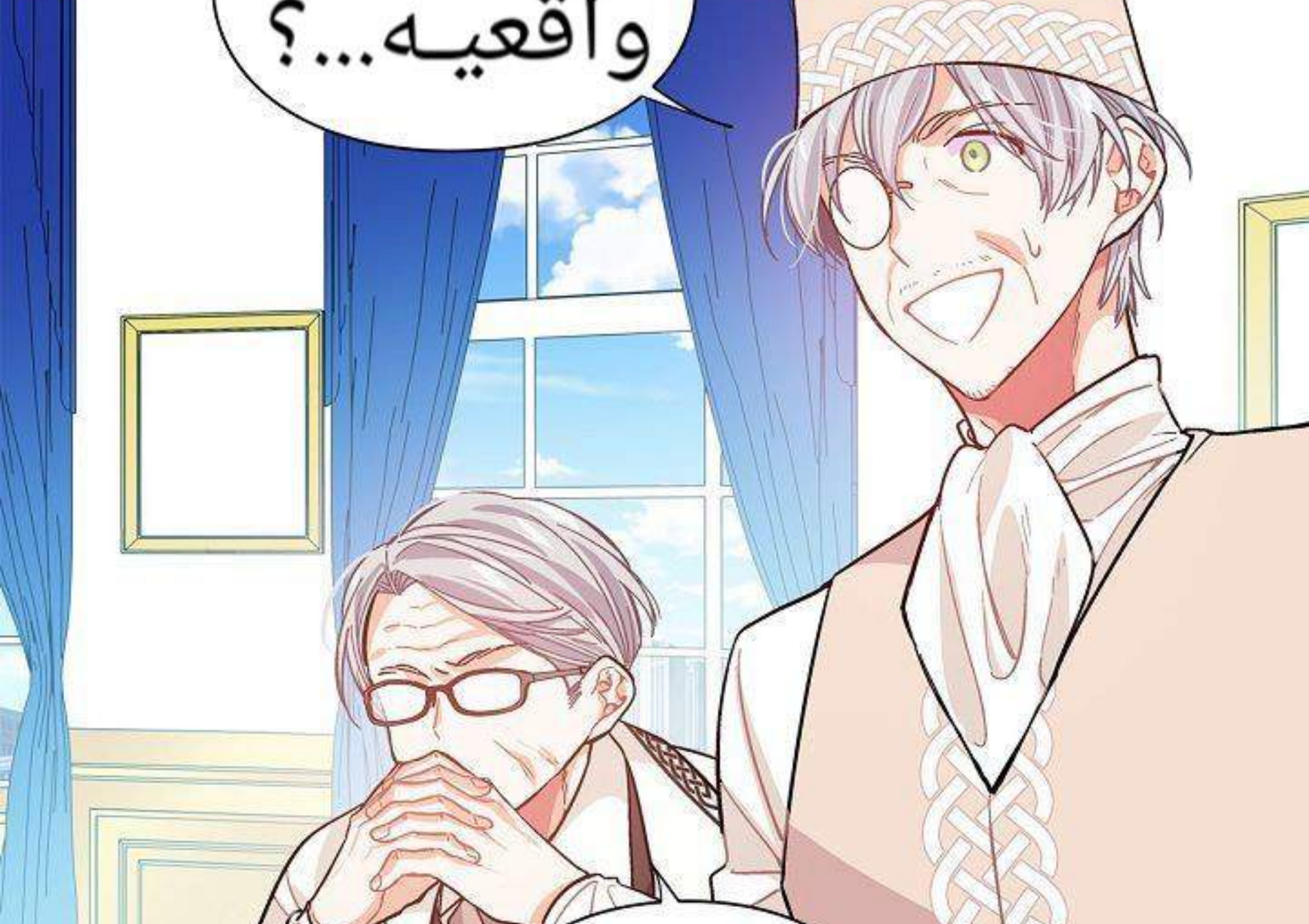


بله، من
نوشتمشون.





هاها... این
واقعیه...؟



...

من باور نمیکنم. حتی یک
ماه هم نشده که تو به
عنوان کارآموز به اینجا
فرستاده شدی، با اینحال
این جراحی حساس رو
انجام دادی؟



خب ثابت کن. هر
مرحله از پروژه رو
به ما توضیح بده.



با توجه به موقعیت
طحال قدم اول
اینه، یه برش
عمودی موازی
استخوان جناق.

طحال سمت چپه.
چرا از وسط
شروع میکنی؟

همینطور اونطوری آسون
تر میشه اعضای دیگه رو
برای دید بهتر به طحال
نگه داشت یا حرکت داد.

قدم بعد، خون با استفاده
از گاز استریل جمع و پهلوی
قفسه سینه و شکم بالا
آورده شد.

دنباله پانکراسی با استفاده
از یه ابزار فلزی برای
چرخش طحال و سهولت
عمل جدا شد. بعدش
طحال جدا شده به
پیوندها وصل شد.





دنباله پانکراس با
استفاده از یه ابزار
فلزی برای چرخش
طحال و سهولت عمل
جدا شد، بعدش طحال
جدا شده به پیوندها
وصل شد



بعد از اون سرخرگ
و سیاهرگ های
طحال...

...



...همین بود.



این با موقعی که فقط
متن گزارش رو خوندم
فرق داره. توضیحات این
دختر من رو یاد وقتی
میندازه که قبلا توی
دانشگاه به تدریس
استادای بزرگ گوش
میکردم.



تو... واقعاً اون
جراحی رو انجام
دادی؟

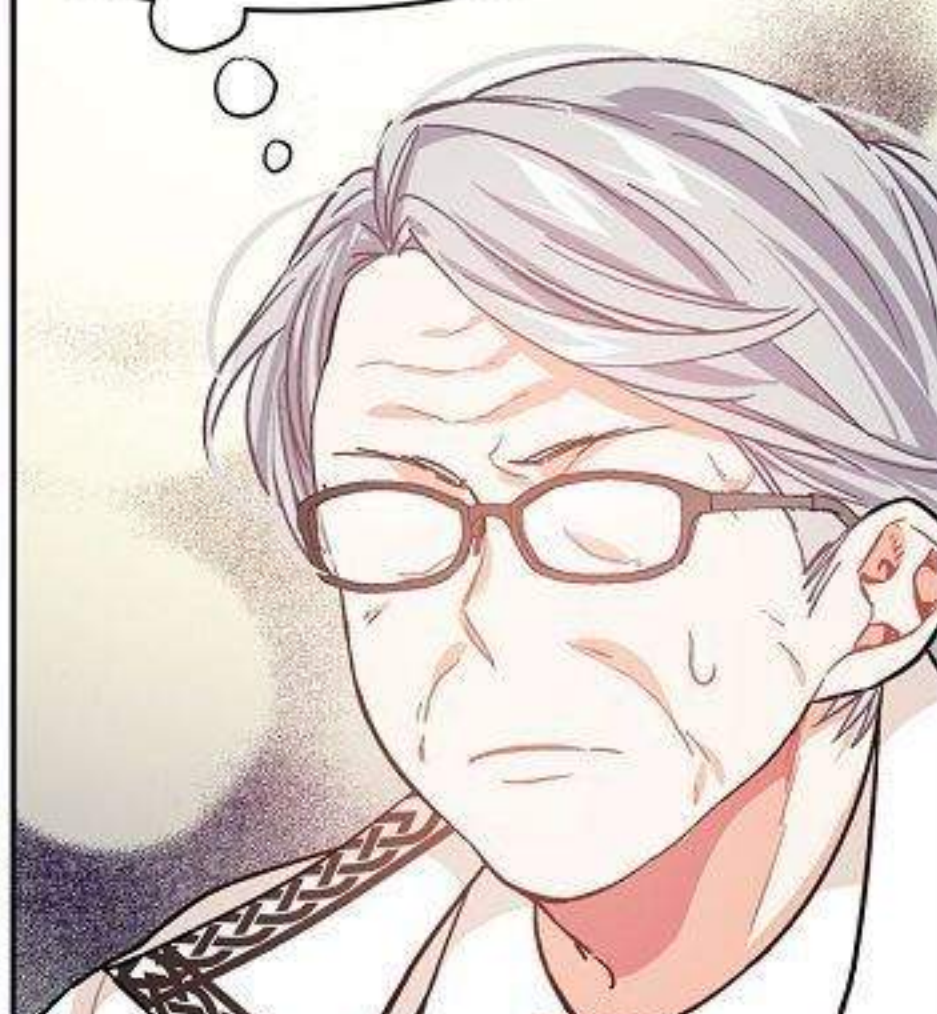
این
مزخرفه...

مترجم: من به جای الیزه دیوونه شدم اینقدر تکرار کرد اینو

این حقیقته. تو
کلماتش هیچ
دروغی نیست. من
خودم با ابروم
ضمانتش میکنم.



اگه گراهام همچین
حرفی بزنه پس نمیتونه
دروغ باشه.

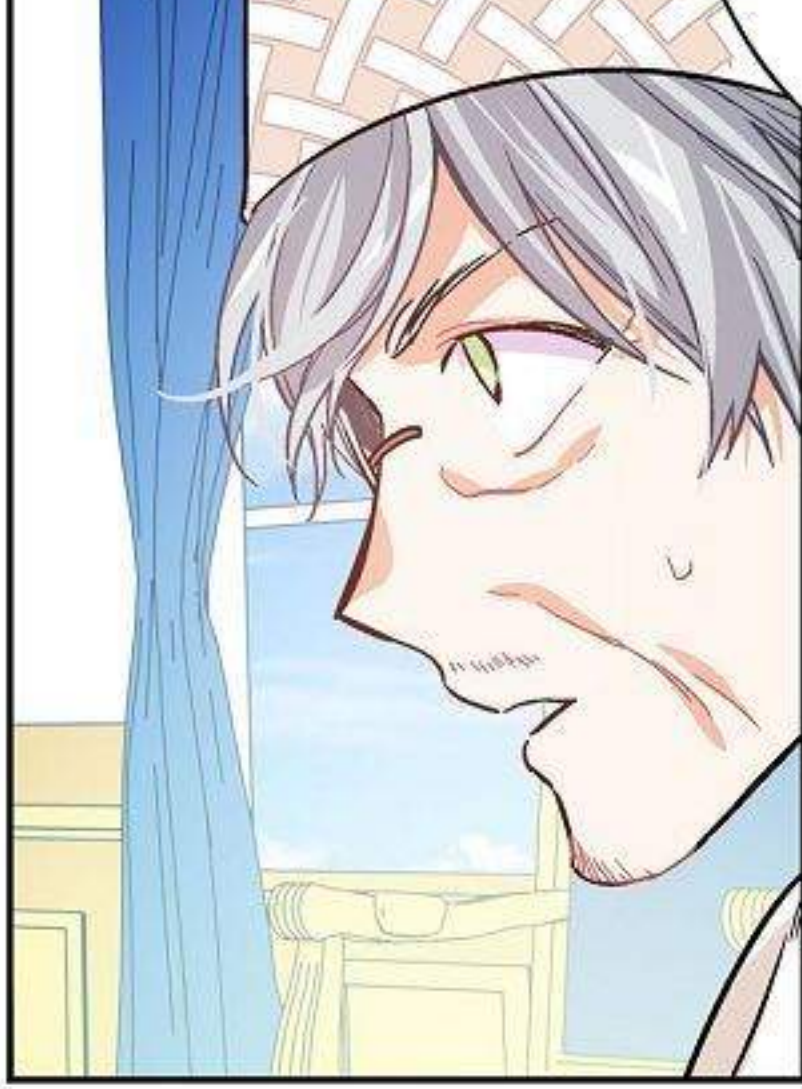


هاها. نمیدونم
چطور باید
این رو تصور
کنم...



چطور... چطور
مدیریتش
کردی؟

تو فقط یه
ماهه که
اینجا
کارآموزی، نه؟



...چجوری
جواب
بدم؟



بهشون حقیقت رو
بگم؟ که من تو
زندگی قبلیم پزشک
بودم تو یه جهان
دیگه؟ هیچکس باور
نمیکنه...

در واقع... این
اولین بار نبود که
من یه جراحی
اسپلینکتومی اجرا
کردم.



?!

اولین بار
نیست؟
منظورت
چییه؟

۱۸

اوه، منظورم این نیست که
قبلاً انجامش دادم. ولی
قبلاً چندین بار دربارش
نظریه پردازی کردم.

من از همون اول
کتابای پزشکی زیادی
رو برای آماده
پزشکی شدن خوندم.

مبانی رو از
مقدمات براهام
و متن های
مشابه دیگه
مطالعه کردم.

البته،
همش یه
دروغه

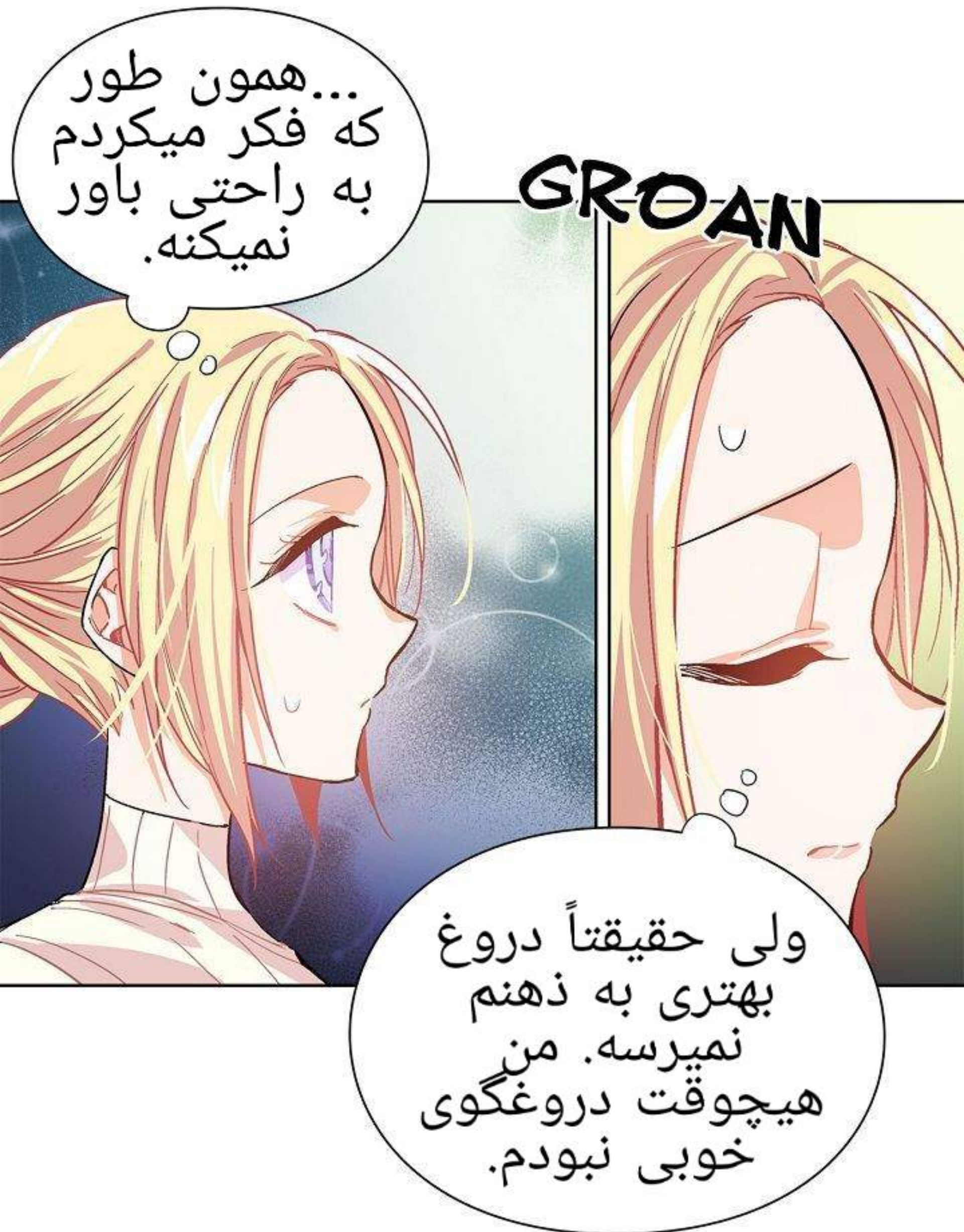
فریب
وجدان

وقتی فکر
کردم، "بهتر نیست
از این راه درمان
بشه؟"

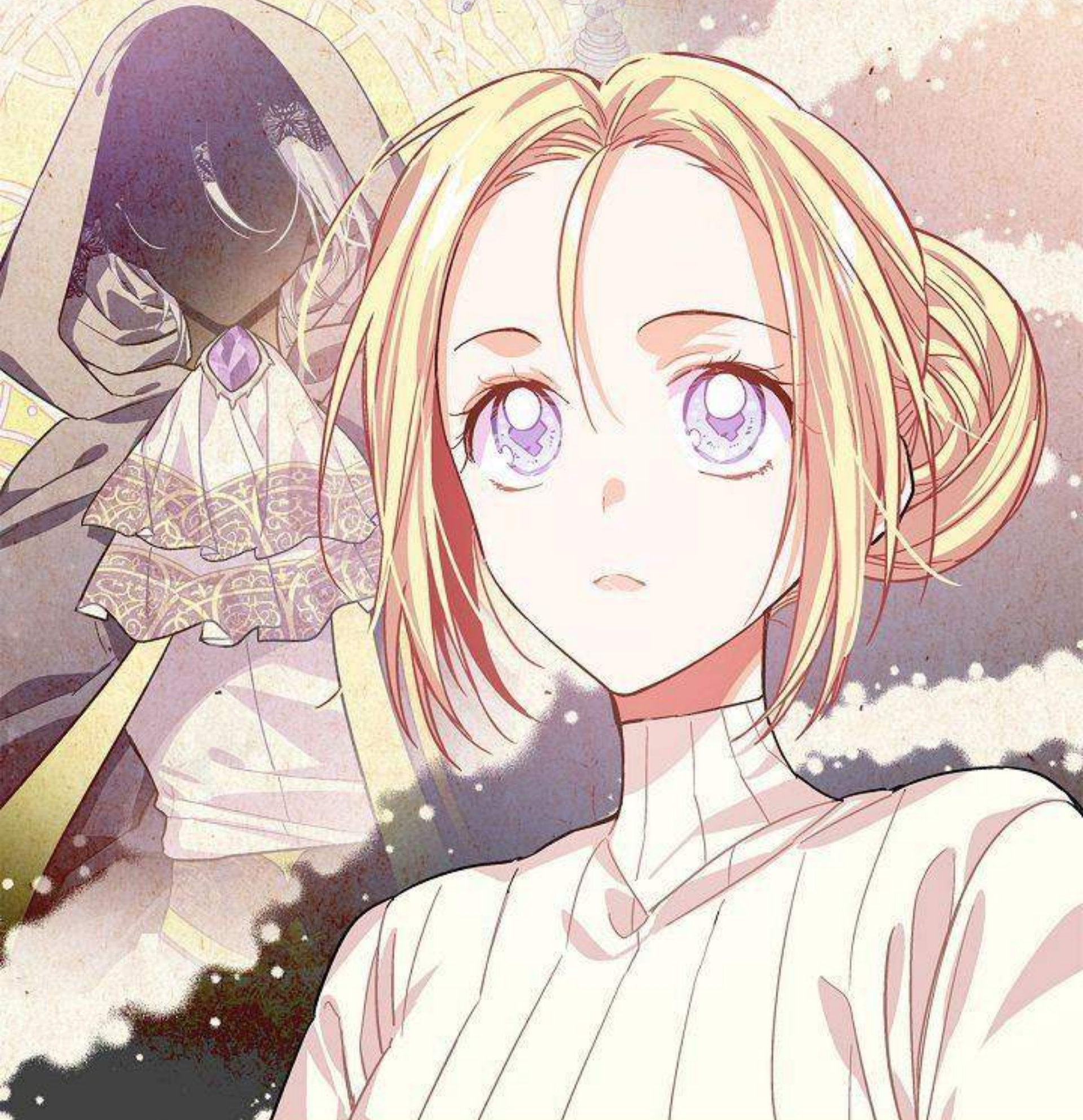
بعد "این باید با
این روش درمان
بشه." و مثل این،
من چندین بار
تئوری پردازی
کردم.

...این باورنکردنیه
که دختر جوونی
مثل تو فقط با
خوندن به تنهایی
اون کتابای پزشکی
رو متوجه بشه.

و تو الان داری
میگی به یه راه
درمان جدید دست
پیدا کردی؟



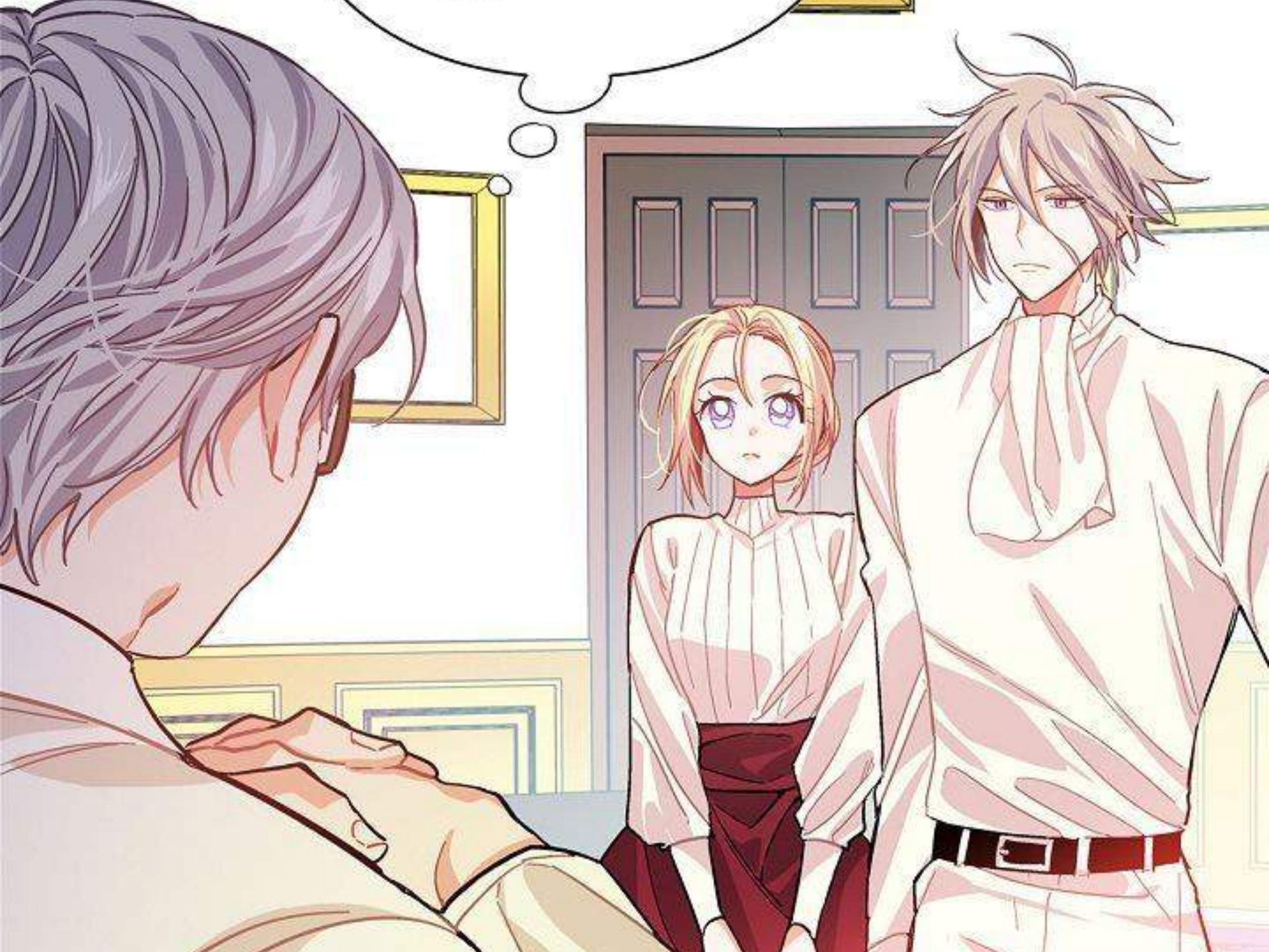
این دختر نابغه ای
ه که هر دو ی
کنت براهام و
کیمیاگر بزرگ
فلمینگ رو پشت
سر گذاشته.



کنت براهام "پیش
کسوت" یه که طب رو
پایه گذاری کرده. و
فلمینگ "کیمیاگر
بزرگ" یه که داروسازی و
تشخیص بیماری ها رو
متحول کرد.

بخاطر هر دوی
اون ها دانش
پزشکی
امپراطوری به
سرعت پیشرفت
کرد.

این دختر
واقعا
ممکنه...



حرفای رز
درسته. من مدت
زیادی استادش
نبودم ولی
میدونم دروغ
نمیگه.





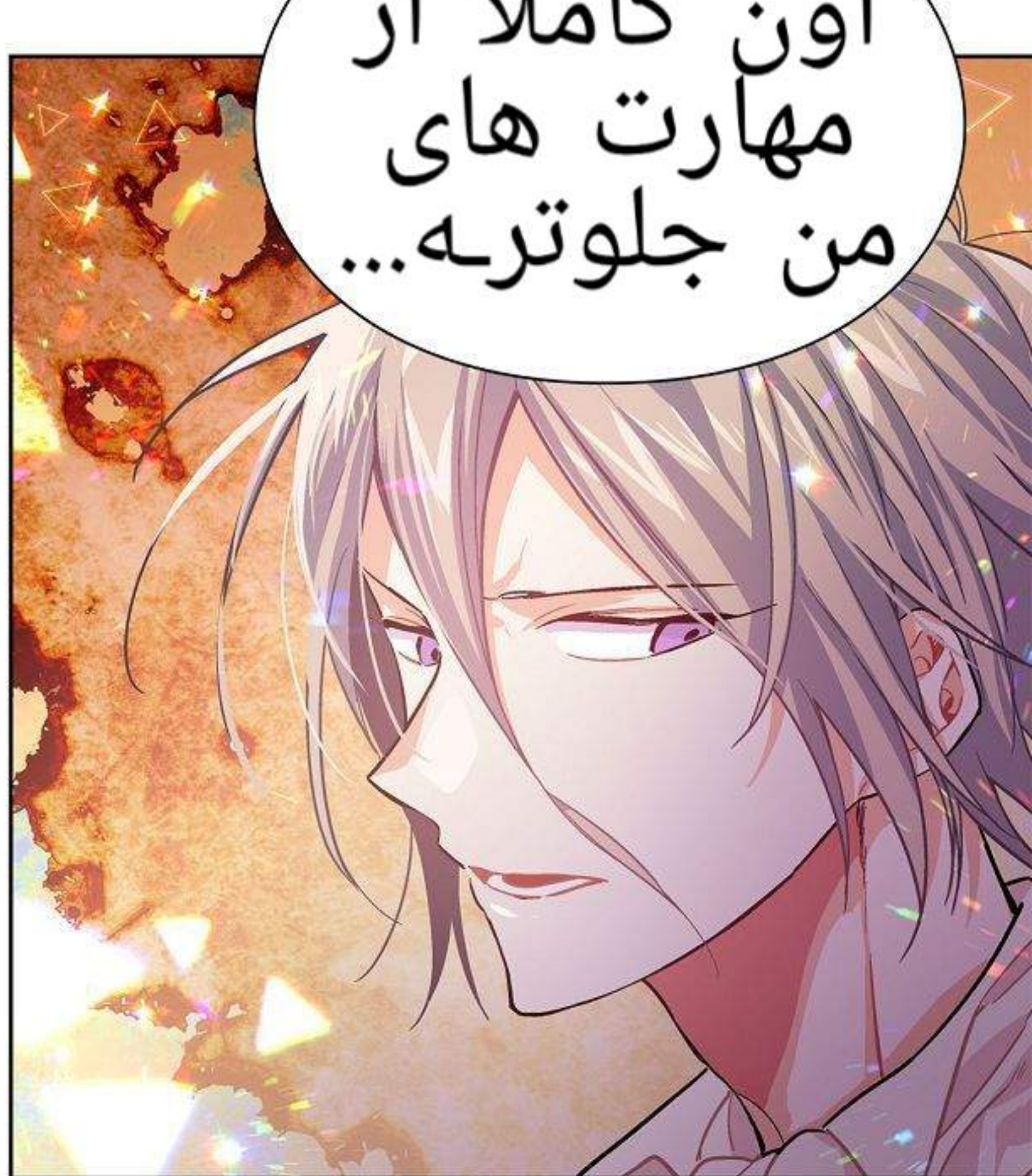
و از اون
مهمتر... با مهارت
هایی که داره
خیلی امکانش
زیاده.

رز ماهرترین و
پراطلاعات ترین
دکتری که
من در تمام
عمرم دیدم.



اون به عنوان
کارآموز من به
اینجا اومد ولی
من هیچی ندارم
که بهش یاد بدم.

اون کاملاً از
مهارت های
من جلوتره...



اگه حتی نابغه
مغرور، دکتر فلن
داره این میگه...



هاها... بانو
رز، بوده؟

بله. ولی لازم
نیست اینقدر
رسمی باشین.

باشه، رز.

به جای اینجا
موندن، چرا با من
به بیمارستان
کراس سلطنتی
نمیای؟!



ادمن روت کراس زدم پیر مرد با این ذوق
و شوق دلمو بردی اصلا

To Be Continued

MIRANKA



زود باش به تیم ادیت و ترجمه ی ما ملحق شو

دیوٹ ہم کی
کردی

STARTLED

MIRANKA / MIRANKA